نکته

شبکه بانکی نقره‌داغ می‌خواهد!

اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی از محدوده رفتارهای اضطراری و کوتاه‌مدت فاصله گرفته و به بخشی از مسئله مزمن نظام بانکی تبدیل شده است و تداوم این وضعیت، کارکرد سیاست پولی را تحت فشار قرار داده و مسیر اثرگذاری آن بر کنترل تورم را با اختلال مواجه کرده است. در منطق بانکداری مرکزی، اضافه‌برداشت باید صرفاً برای پوشش کمبودهای مقطعی نقدینگی به کار رود اما زمانی که این ابزار از کارکرد محدود خود خارج شود و در ترازنامه بانک‌ها تکرار شود، اثر آن از سطح یک اقدام کوتاه‌مدت فراتر می‌رود و به افزایش پایه پولی منتهی می‌شود و پایه پولی نیز نقطه آغاز شکل‌گیری نقدینگی در اقتصاد است و رشد آن بدون پشتوانه واقعی، خود را در سطح عمومی قیمت‌ها منعکس می‌کند.

البته مسئله اصلی در اینجا صرفاً رفتار چند بانک خاص نیست، بلکه ساختار ناترازی در شبکه بانکی است و بانک‌هایی که با دارایی‌های کم‌بازده، مطالبات غیرجاری و تعهدات کوتاه‌مدت مواجه‌اند، در عمل امکان تراز کردن جریان نقدی خود را از مسیرهای عادی از دست می‌دهند و در چنین شرایطی، رجوع به منابع بانک مرکزی به یکی از مسیرهای ثابت تأمین نقدینگی تبدیل می‌شود.

این روند زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که هزینه استفاده از این منابع برای بانک‌ها به اندازه کافی بازدارنده نباشد و طبعا در چنین وضعی، فشار اصلاح از درون ترازنامه بانک‌ها کاهش می‌یابد و مسئله ناترازی به جای حل شدن، در دوره‌های مختلف تکرار می‌شود و نتیجه قهری آن نیز انتقال تدریجی فشار مالی از شبکه بانکی به سطح کلان اقتصاد است.

بانک مرکزی در جایگاه نهاد سیاست‌گذار پولی وظیفه دارد میان تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت و حفظ ثبات پولی تعادل ایجاد کند چه آنکه تداوم اضافه‌برداشت‌ها نشان می‌دهد این تعادل در عمل با چالش روبه‌رو شده است و مسئله فقط کمبود ابزار نیست، بلکه نحوه استفاده از ابزارهای موجود نیز اهمیت پیدا می‌کند.

ناترازی در ترازنامه بانک‌ها ریشه اصلی این وضعیت است و زمانی که ساختار دارایی و بدهی بانک‌ها با هم هم‌خوانی ندارد، فشار نقدینگی به شکل طبیعی به سمت منابع بانک مرکزی منتقل می‌شود. این انتقال، اگر کنترل نشود، به رشد پایه پولی منجر می‌شود و اثر آن در قالب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ظاهر خواهد شد.

در این میان، نکته مهم دیگر شکل‌گیری نوعی وابستگی رفتاری در بخشی از شبکه بانکی است چراکه وقتی استفاده از منابع بانک مرکزی هزینه واقعی و سنگینی نداشته باشد، انگیزه برای اصلاح ساختار مالی کاهش می‌یابد و در نتیجه، اضافه‌برداشت به جای یک ابزار اضطراری، به بخشی از رفتار عادی تبدیل می‌شود. این وضعیت پیامد مستقیم بر اقتصاد کلان دارد زیرا رشد پایه پولی بدون پشتوانه تولیدی، به افزایش نقدینگی منتهی می‌شود و این نقدینگی در نهایت فشار تورمی ایجاد می‌کند و در اقتصادی که ظرفیت عرضه به اندازه کافی انعطاف‌پذیر نیست، این فشار با شدت بیشتری در قیمت‌ها دیده می‌شود.

مسئله اصلی در جمع‌بندی این وضعیت، لزوم اصلاح سازوکارهای درونی نظام بانکی است و کنترل اضافه‌برداشت به تنهایی کافی نیست و بدون اصلاح ناترازی ترازنامه‌ها، این چرخه دوباره تکرار می‌شود بنابراین تا زمانی که هزینه ناترازی به شکل واقعی در ساختار بانک‌ها منعکس نشود، امکان مهار پایدار این روند محدود خواهد بود.

خبر

افزایش قیمت محصولات پتروشیمی تکذیب شد

پیرو انتشار برخی گمانه‌زنی‌ها درباره افزایش قیمت محصولات پایه پتروشیمی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد تاکنون هیچ تصمیم یا مصوبه‌ای برای تغییر قیمت این محصولات به تصویب نرسیده و هرگونه ادعا درباره اعمال نرخ‌های جدید فاقد وجاهت قانونی است.

اخیراً اخباری در فضای مجازی و برخی کانال‌های خبری درباره احتمال افزایش قیمت محصولات پایه پتروشیمی، نگرانی‌هایی را در میان فعالان صنایع پایین‌دستی و مصرف‌کنندگان این محصولات ایجاد کرد. این در حالی است که بخش قابل توجهی از واحدهای تولیدی کشور، مواد اولیه مورد نیاز خود را از بازار محصولات پتروشیمی تأمین می‌کنند و تغییر در قیمت این محصولات می‌تواند بر هزینه تولید بسیاری از صنایع اثرگذار باشد.

در واکنش به این شایعات، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت با تشریح روند قانونی تعیین و اصلاح قیمت محصولات پایه پتروشیمی، تأکید کرد که تغییر نرخ این محصولات تابع سازوکار مشخص و مصوب است و امکان اعمال قیمت‌های جدید خارج از چارچوب قانونی وجود ندارد.

وی توضیح داد که براساس قوانین و مقررات موجود، هرگونه تصمیم درباره تغییر قیمت محصولات پایه پتروشیمی باید در قالب کارگروهی تخصصی بررسی و تصویب شود. این کارگروه از نمایندگان و مسئولان دستگاه‌های مرتبط از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، تأمین‌کنندگان محصولات و همچنین مصرف‌کنندگان و بهره‌برداران این مواد تشکیل می‌شود.

به گفته وی، هدف از تشکیل این ساختار تصمیم‌گیری، ایجاد توازن میان منافع تولیدکنندگان مواد اولیه و واحدهای مصرف‌کننده است تا هر تصمیم احتمالی پس از بررسی آثار اقتصادی و صنعتی آن اتخاذ شود. از این رو، تغییر قیمت‌ها بدون طی شدن مراحل قانونی و بدون تصویب در این کارگروه امکان‌پذیر نیست.

سخنگوی وزارت صمت همچنین تصریح کرد که تاکنون هیچ جلسه‌ای با موضوع افزایش قیمت محصولات پایه پتروشیمی برگزار نشده و در نتیجه هیچ مصوبه‌ای نیز در این زمینه وجود ندارد. بر همین اساس، هرگونه اعلام یا اعمال قیمت جدید خارج از فرآیند قانونی، فاقد اعتبار بوده و نمی‌تواند مبنای معاملات رسمی قرار گیرد.

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که بازار مواد اولیه صنعتی به طور معمول نسبت به اخبار و شایعات مرتبط با قیمت‌ها حساسیت بالایی دارد و در بسیاری از موارد انتشار اخبار تأییدنشده می‌تواند موجب ایجاد انتظارات نادرست در بازار شود و رفتار خریداران و فروشندگان را تحت تأثیر قرار دهد. از همین رو، مسئولان بر ضرورت استناد فعالان اقتصادی به اطلاعیه‌ها و اخبار رسمی تأکید دارند.

کارشناسان نیز معتقدند شفافیت در اطلاع‌رسانی و اعلام رسمی تصمیمات اقتصادی، نقش مهمی در حفظ آرامش بازار و جلوگیری از شکل‌گیری فضای روانی نامطلوب دارد و به باور آنان، انتشار اخبار غیررسمی درباره تغییر قیمت مواد اولیه می‌تواند بر برنامه‌ریزی تولیدکنندگان اثر بگذارد و زمینه بروز نوسان در معاملات را فراهم کند. با توضیحات ارائه‌شده از سوی وزارت صمت، موضوع افزایش قیمت محصولات پایه پتروشیمی در شرایط فعلی منتفی است و هیچ تصمیم رسمی در این زمینه اتخاذ نشده است. از این رو، فعالان صنایع مرتبط و مصرف‌کنندگان این محصولات می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری خود را اطلاعیه‌های رسمی و مصوبات قانونی قرار دهند و به شایعات منتشرشده در فضای غیررسمی توجه نکنند.

بر این اساس، تا زمان تشکیل کارگروه قانونی و تصویب احتمالی هرگونه تغییر، قیمت محصولات پایه پتروشیمی مطابق رویه‌های جاری و ضوابط موجود دنبال خواهد شد و هیچ افزایش قیمتی از منظر قانونی مورد تأیید نیست.

گزارش یک

بهناز قاسمی

واکنش بازارها به آنچه تفاهم ایران و رژیم امریکا نامیده می‌شود

صعود طلای جهانی و سقوط طلای داخلی بازار ارز ریزش و بازار بورس رشد کرد

قیمت جهانی نفت در معاملات روز دوشنبه با افتی بیش از ۴ دلار مواجه شد و به محدوده ۸۳ تا ۸۵ دلار بازگشت

انتشار غافلگیرانه آنچه تفاهم میان ایران و رژیم امریکا نامیده می‌شود، بازار طلا و ارز تهران را نزولی کرد، به طوری که روز گذشته در حالی که هنوز معاملات رسمی بازارهای داخلی آغاز نشده بود، قیمت‌ها در بازار طلا و ارز مسیر نزولی پرشتابی را در پیش گرفت، کنشگران معتقدند این رفتار بازار بیش از هر چیز ناشی از «افت ریسک سیاسی» است. کاهش ریسک سیاسی، تقاضای احتیاطی را عقب رانده و بازارهای دارایی در حال بازتنظیم خود با شرایط جدید هستند. به عبارتی، پیش از آنکه آثار واقعی توافق در متغیرهای اقتصادی نمایان شود، معامله‌گران بر اساس انتظارات جدید دست به فروش زده‌اند. همچنین انتشار این خبر، در بازارهای جهانی، مسیر نفت، طلا و بیت‌کوین را تغییر داد، قیمت نفت افت کرد اما نرخ طلا جهانی صعودی شد.

■■■

در فضای اقتصادی همواره این پرسش مطرح است که آیا توافق‌های سیاسی می‌توانند مسیر بازارها را تغییر دهند یا آنچه سرنوشت اقتصاد را تعیین می‌کند، کیفیت سیاست‌گذاری داخلی است؟ به قاعده تجربه هرچند توافق‌ها می‌توانند انتظارات را دگرگون کنند و شوک‌های کوتاه‌مدتی به بازارها وارد کنند، اما تداوم آثار آنها به عواملی فراتر از سیاست خارجی همچون مهار تورم، کنترل کسری بودجه، ثبات نرخ ارز، امنیت سرمایه‌گذاری و کیفیت حکمرانی اقتصادی وابسته است. انتشار رسمی خبر غافلگیرکننده موسوم به تفاهم ایران و رژیم امریکا، بازارهای مالی را در تهران تحت تاثیر خود قرار داد، به طوری که با فروکش کردن بخشی از انتظارات تورمی، نرخ‌ها در بازار ارز، تتر و طلا ریزشی شد و بازار سرمایه به روند صعودی خود ادامه داد. بررسی روند معاملات در روز دوشنبه نشان می‌دهد که بازار ارز پس از یک دوره رشد و انتظارات افزایشی ناشی از انتظارات تورمی، اکنون وارد فاز جدیدی از «تخلیه هیجانات» شده است که در آن دارایی‌های دلاری و وابسته به دلار، به‌طور همزمان کاهش قیمت را تجربه کردند.

■ ریزش هم‌زمان در سه بازار کلیدی

در معاملات دیروز، تتر به‌عنوان بازار پیش‌نگر ارز، نخستین واکنش را به تغییر فضای سیاسی نشان داد و از بامداد روز دوشنبه با کاهش سریع قیمت، سیگنال اولیه اصلاح را به بازار مخابره کرد. پس از آن، دلار آزاد تهران نیز تحت تأثیر افزایش عرضه و کاهش تقاضای سفته‌بازی، وارد مسیر نزولی شد. در ادامه، بازار طلا و سکه نیز با تأخیر اما با شدت بیشتری نسبت به دلار، کاهش قیمت را تجربه کرد که کارشناسان آن را ناشی از همزمانی افت نرخ ارز و کاهش تقاضای سرمایه‌ای در بازار داخلی می‌دانند. به گفته فعالان بازار، روز دوشنبه و انتشار بیانیه شعام نقطه عطف تغییر انتظارات در بازار ارز بوده است. در این روز، فضای روانی بازار به سرعت از حالت انتظار برای افزایش قیمت به سمت فروش و شناسایی سود تغییر جهت داد. افزایش عرضه در بازار ارز و همزمان فعال شدن موج فروش در بازار تتر، باعث شد فشار نزولی به سرعت به بازار نقدی دلار و سپس به بازار طلا منتقل شود.

البته بررسی رفتار بازار نشان می‌دهد که ریزش اخیر بیش از آنکه ناشی از تغییر عوامل بنیادی باشد، نتیجه تغییر کوتاه‌مدت انتظارات و شوک خبری بوده است. در چنین شرایطی، بازار معمولاً وارد فاز نوسانی رو به کاهش می‌شود به‌گونه‌ای که نه روند نزولی پایدار شکل می‌گیرد و نه بازگشت سریع و پرقدرت صعودی رخ می‌دهد. کارشناسان و فعالان بازار ارز معتقدند ادامه روند نزولی در بازار ارز منوط به تداوم همزمان چند عامل از جمله افزایش عرضه ارز، ثبات در فضای سیاسی و کاهش پایدار تقاضای سفته‌بازی است. هرچند نباید اثر عوامل بنیادینی چون کسری بودجه و رشد نقدینگی را بر بازارهای داخلی نادیده گرفت.

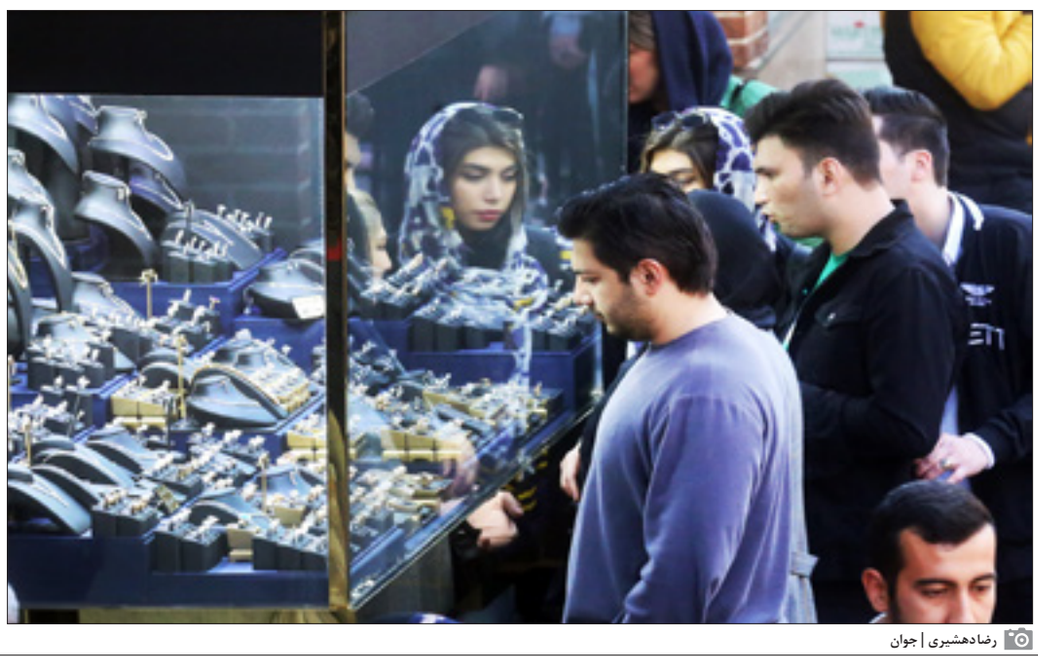

رضا دهشیری | جوان

■ قیمت‌ها در بازار

آخرین وضعیت بازارهای پولی مالی نشان می‌دهد که طلا در میانه کانال ۱۶میلیون تومانی قرار دارد و هر گرم طلای ۱۸عیار ۱۶میلیون و ۵۹۰هزار تومان قیمت گذاری شده است؛ سکه تمام نیز به ۱۶۷میلیون تومان رسیده است. در بازار آزاد ارز، قیمت هر دلار امریکا به شکل اسکناس در محدوده ۱۶۳هزار تومان معامله می‌شود که حدود ۱۰هزار تومان نسبت به دیروز کاهش داشته است؛ هر تتر به عنوان رایج‌ترین ارز دیجیتال نیز در محدوده ۱۶۳هزار تومان قرار گرفته است.

■ بورس صعودی شد

اما در بازار سرمایه شرایط به شکلی مطلوب پیشرفته است و بازار در ادامه مسیر افزایشی خود، صبح دیروز کانال ۴/۹ میلیون واحدی را فتح کرد و با رشد ۱۵۹ هزار واحدی در آستانه ورود به کانال ۵ میلیون واحدی و ثبت یک شگفتانه قرار گرفت.

چرا با وجود رشد اونس جهانی، طلا در ایران ارزان شد؟ رفتار دیروز بازار بیش از هر چیز ناشی از «افت ریسک سیاسی» است. در اقتصاد، بخش مهمی از تقاضای ارز و طلا ماهیت احتیاطی و سرمایه‌گذاری مبتنی بر نااطمینانی دارد. هر زمان احتمال تشدید تنش‌های سیاسی یا نظامی افزایش می‌یابد، تقاضا برای دارایی‌های امن بالا می‌رود و قیمت‌ها جهش می‌کند. اکنون خبر توافق، انتظارات تورمی و ریسک‌های ژئوپلیتیک را تا حدی تعدیل کرده و همین تغییر ذهنیت، فشار فروش ایجاد کرده است.

در واقع بازار پیش‌دستانه عمل کرده؛ یعنی پیش از آنکه آثار واقعی توافق در متغیرهای اقتصادی نمایان شود، معامله‌گران بر اساس انتظارات جدید دست به فروش زده‌اند. به گزارش تسنیم، نکته قابل توجه اینجاست که همزمان با افت قیمت طلا در داخل، بهای اونس جهانی افزایش یافته و به ۴۳۱۴ دلار رسیده است. به طور معمول رشد اونس باید از قیمت طلای داخلی حمایت کند، اما در شرایط فعلی اثر کاهشی نرخ ارز بر بازار داخلی بسیار پررنگ‌تر بوده است. قیمت طلای داخلی به طور کلی از دو متغیر اصلی تاثیر می‌پذیرد: قیمت اونس جهانی و نرخ دلار در بازار داخلی. به همین دلیل، حتی اگر بهای جهانی طلا افزایش پیدا کند، در صورتی که نرخ ارز در داخل کاهش شدیدی داشته باشد، ممکن است قیمت طلا در بازار ایران نزولی شود. در شرایط فعلی نیز دقیقا همین اتفاق رخ داده و اثر کاهشی افت دلار، افزایش اونس جهانی را خنثی کرده است. افزایش اونس جهانی یک نیروی افزایشی ایجاد کرده، اما افت محسوس نرخ دلار در بازار تهران اثر بزرگ‌تری گذاشته و در نهایت خروجی این معادله کاهش قیمت طلا بوده است. به بیان ساده، وزن افت دلار فعلاً بیشتر از رشد اونس است.

■ جهش بورس‌های جهان و افت نفت پس از توافق اولیه ایران و امریکا

همچنین بازارهای مالی جهانی با رشد قابل توجه شاخص‌های سهام و همزمان کاهش قیمت نفت واکنش نشان دادند. قیمت جهانی نفت در معاملات روز دوشنبه با افتی بیش از ۴دلار مواجه شد. قیمت نفت برنت که در روزهای اوج تنش به محدوده ۹۰دلار در هر بشکه نزدیک شده بود، با افت بیش از ۴تا ۵ درصدی به محدوده ۸۳ تا ۸۵ دلار بازگشت. به گزارش مهر به نقل از رویترز، بازارهای مالی جهان در واکنش به اعلام توافق اولیه میان ایران و امریکا و کاهش تنش‌های نظامی در خاورمیانه، موجی از رشد را تجربه کردند و همزمان قیمت نفت بخشی از افزایش ناشی از ریسک‌های جنگ را از دست داد. در میان بازارهای آسیایی، شاخص «کوسپی» کره جنوبی بیشترین واکنش را نشان داد و با رشد بیش از ۸ درصدی بهترین عملکرد را در میان بورس‌های بزرگ جهان ثبت کرد. کارشناسان تأکید می‌کنند اگرچه پایان درگیری‌ها می‌تواند به تدریج عرضه نفت را به شرایط عادی بازگرداند، اما جبران خسارت‌های ناشی از ماه‌ها تنش و اختلال در بازار انرژی، فرآیندی زمان‌بر خواهد بود؛ خسارت‌هایی که علاوه بر زیرساخت‌های انرژی، اقتصاد کشورهای واردکننده نفت را نیز تحت فشار قرار داده است.

گزارش ۲

حسام کمالی

ساختار تصمیم‌گیری آرد و نان دچار چندپارگی شده است

یک نان و چند صاحب!

نان همچنان قوت غالب خانوارهای ایرانی به شمار می‌رود اما سازوکار تأمین، توزیع و قیمت‌گذاری آن با مجموعه‌ای از ناهماهنگی‌ها روبه‌رو است، به طوری که تعدد دستگاه‌های مسئول در این حوزه، اختلاف رویه‌ها در استان‌ها، تغییرات غیرهمسان در کیفیت آرد و ضعف در نظام نظارتی، وضعیتی پیچیده از بازاری ارائه می‌کند که با وجود یارانه گسترده، همچنان با نارضایتی مصرف‌کننده همراه مانده است.

■■■

حجم بالای مصرف روزانه و نقش مستقیم نان در معیشت خانوارها، این بخش را در مرکز توجه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار داده است ولی با این حال، آنچه در عمل اتفاق می‌افتد فاصله معناداری با اهداف اعلامی دارد و ساختار اجرایی این بازار با چالش‌های متعددی مواجه شده است.

یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تعدد نهادهای مسئول در زنجیره آرد و نان است، به طوری که مجموعه‌ای از دستگاه‌های اجرایی و نظارتی در فرآیند تأمین گندم، تولید آرد، توزیع سهمیه و نظارت بر نانوایی‌ها نقش دارند و همین پراکندگی وظایف موجب شده است تصمیم‌گیری‌ها در برخی موارد با هم‌پوشانی یا اختلاف رویه همراه شود و مسیر اجرای سیاست‌ها با کندی و ناهماهنگی پیش برود. در چنین ساختاری، مسئولیت‌پذیری نیز با ابهام روبه‌رو شده است چراکه وقتی چند نهاد در یک حوزه مشخص نقش‌آفرینی می‌کنند، تعیین مرجع نهایی پاسخگو دشوار می‌شود و همین مسئله در حوزه آرد و نان به شکل ناهماهنگی در اجرا و تفاوت در سیاست‌های استانی بروز یافته است.

■ اختلاف قیمت نان در استان‌ها

یکی از نمودهای اصلی این وضعیت، تفاوت قیمت نان در استان‌های مختلف کشور است و واگذاری بخشی از اختیارات قیمت‌گذاری به سطوح استانی، موجب شده است نرخ نان در نقاط مختلف کشور یکسان نباشد و این اختلاف در برخی موارد به اندازه‌ای است که نوعی بی‌نظمی در ذهن مصرف‌کنندگان ایجاد کرده و مقایسه قیمت‌ها را دشوار ساخته است.

در کنار قیمت، کیفیت نان نیز از این تفاوت‌ها تأثیر پذیرفته است به طوری که تغییر در نوع آرد، درصد سبوس و استانداردهای تولید در مناطق مختلف، موجب شده است محصول نهایی از نظر کیفیت یکنواخت نباشد و این موضوع در بازاری که با یارانه عمومی اداره می‌شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و ضرورت استانداردسازی را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، سامانه‌های نظارتی و هوشمند نیز نتوانسته‌اند به‌طور کامل نقش تنظیم‌گر خود را ایفا کنند به طور یکه برخی گزارش‌ها از وجود ایراد در فرآیند ثبت و پایش اطلاعات حکایت دارد که بر شفافیت زنجیره توزیع اثر گذاشته و امکان ارزیابی دقیق عملکرد نانوایی‌ها را محدود کرده است.

■ فشار یارانه و چالش بهره‌وری

این مواردی در حالی است که حوزه آرد و نان یکی از پرهزینه‌ترین بخش‌های یارانه‌ای در اقتصاد کشور محسوب می‌شود و دولت سالانه منابع قابل توجهی را برای تأمین گندم، آرد و نان اختصاص می‌دهد تا قیمت این کالای اساسی برای مصرف‌کننده کنترل شود. با وجود این حجم از حمایت مالی، سطح رضایت عمومی از کیفیت و نحوه عرضه نان همچنان در حد مطلوب ارزیابی نمی‌شود. بررسی ساختار مصرف آرد نیز نشان می‌دهد سهم آرد با کیفیت بالاتر همچنان محدود است و بخش عمده تولید نان بر پایه آرد معمولی انجام می‌شود. این مسئله در کنار تفاوت‌های استانی، به ناهمگونی در کیفیت محصول نهایی دامن زده و تجربه مصرف‌کننده را در نقاط مختلف کشور یکسان نکرده است.

از منظر اقتصادی، تداوم چنین وضعیتی به معنای عدم بهره‌وری کامل از منابع یارانه‌ای است و زمانی که هزینه‌های سنگین صرف می‌شود اما خروجی نهایی رضایت کافی ایجاد نمی‌کند، ضرورت بازنگری در ساختار توزیع و نظارت بیش از پیش آشکار می‌شود.

در برخی مناطق کشور نیز مسئله سهمیه‌بندی آرد با چالش‌هایی همراه است و مناطق گردشگرپذیر و عشایری در دوره‌هایی با افزایش جمعیت مواجه می‌شوند و الگوی ثابت تخصیص سهمیه پاسخگوی نیاز واقعی آنها نیست و همین موضوع در مقاطعی به کمبود نان یا فشار بر نانوایی‌ها منجر شده است.

در مجموع، وضعیت فعلی بازار نان نتیجه مجموعه‌ای از عوامل ساختاری است که از سطح تصمیم‌گیری تا اجرا امتداد دارد و تعدد متولیان، اختلاف در سیاست‌های استانی، ضعف در نظارت و عدم یکپارچگی در کیفیت آرد، این بازار را با نوعی ناهماهنگی مزمن روبه‌رو کرده است.

بنابراین اصلاح این وضعیت نیازمند بازتعریف نقش دستگاه‌ها، ایجاد هماهنگی در سطح سیاست‌گذاری و حرکت به سمت استانداردسازی در تولید و توزیع است و بدون چنین اصلاحاتی، فاصله میان هزینه‌های انجام‌شده و رضایت مصرف‌کننده همچنان باقی خواهد ماند.

گزارش ۳

زینب زرین

۹ همت پول تازه وارد بورس شد

رشد ۱۶۲ هزار واحدی شاخص کل، بازار سهام را به آستانه ۵ میلیون واحد رساند

بورس تهران این روزها در حال شکستن رکورد پشت رکورد است و روز دوشنبه نیز روزی کم‌سابقه را پشت سر گذاشت، به طوری که ورود نزدیک به ۹ هزار میلیارد تومان سرمایه جدید از سوی سهامداران حقیقی، بازهم رکورد تازه‌ای در سال ۱۴۰۵ بر جای گذاشت و جریان نقدینگی را به مهم‌ترین متغیر اثرگذار معاملات تبدیل کرد. همزمان با افزایش تقاضا در بخش بزرگی از نمادهای معاملاتی، شاخص کل بورس نیز با جهشی بیش از ۱۶۲ هزار واحدی تا سطح ۴ میلیون و ۹۸۰ هزار واحد پیش رفت و به فاصله‌ای اندک از کانال پنج میلیون واحد رسید.

■■■

بازار سهام در معاملات روز دوشنبه بازهم یکی از پررونق‌ترین روزهای خود را تجربه کرد و با استناد آمارهای معاملاتی، خالص ورود سرمایه حقیقی به بورس و فرابورس به ۸/۹۸ همت رسید که از ابتدای سال جاری تاکنون سابقه نداشته است. این حجم از جابه‌جایی نقدینگی، وزن تقاضا را در بازار افزایش داد و به رشد قابل توجه قیمت سهام در بسیاری از گروه‌های بورسی انجامید. ورود سرمایه‌های خرد طی هفته‌های گذشته به تدریج افزایش یافته بود اما معاملات روز دوشنبه از منظر حجم منابع واردشده تفاوت آشکاری با روزهای پیشین داشت و به باور فعالان بازار این رخداد نتیجه همگرایی چند عامل است که زمینه افزایش اقبال سرمایه‌گذاران به سهام را فراهم کرده و نگاه بخشی از نقدینگی سرگردان را به سمت بازار سرمایه معطوف ساخته است. رشد قیمت‌ها در اکثر صنایع، افزایش ارزش معاملات و گسترش صف‌های خرید در بسیاری از نمادها، فضای عمومی بازار را تحت تأثیر قرار داد و بالطبع در چنین فضایی، شاخص کل بورس تهران با رشد ۱۶۲ هزار و ۴۰۸ واحدی معادل ۳/۴درصد، در سطح ۴ میلیون و ۹۸۰ هزار و ۴۳۰ واحد ایستاد. این صعود، یکی از بزرگ‌ترین جهش‌های روزانه شاخص در سال جاری محسوب می‌شود و فاصله بازار را با مرز روانی پنج میلیون واحد به حداقل رساند.

■ نقدینگی؛ موتور محرک معاملات

یکی از مهم‌ترین داده‌های معاملات روز دوشنبه به نسبت ورود پول حقیقی در مقایسه با ارزش معاملات خرد مربوط می‌شود. این نسبت به ۵۵ درصد رسید که بالاترین سطح ثبت‌شده در دوره اخیر معاملات بازار به شمار می‌آید. به بیان ساده، بیش از نیمی از ارزش معاملات خرد بازار از محل ورود سرمایه جدید تأمین شد که از قدرت بالای تقاضا حکایت دارد.

در بازارهای مالی، پایداری روندهای صعودی تا حد زیادی به حضور جریان نقدینگی وابسته است و هنگامی که منابع تازه وارد بازار می‌شود، ظرفیت خرید افزایش می‌یابد و فشار تقاضا می‌تواند زمینه رشد قیمت‌ها را فراهم کند. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران، ورود پول را یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی وضعیت کوتاه‌مدت بازار تلقی می‌کنند. نگاهی به عملکرد هفته‌های اخیر نیز مؤید همین موضوع است. از زمان آغاز دوره جدید معاملات در ۲۹ اردیبهشت‌ماه تا پایان معاملات روز دوشنبه، مجموع ورود پول حقیقی به بیش از ۷۷ همت رسیده است که در مقایسه با بسیاری از دوره‌های مشابه طی سال‌های گذشته، عددی چشمگیر محسوب می‌شود و از افزایش تمایل سرمایه‌گذاران خرد برای حضور در بازار سهام خبر می‌دهد.

افزایش نقدینگی ورودی، علاوه بر اثرگذاری مستقیم بر قیمت سهام، سیگنال مهمی نیز برای فعالان بازار دارد مبنی بر این زمانی که سرمایه‌گذاران حقیقی با حجم بالا اقدام به خرید می‌کنند، انتظارات مثبت نسبت به آینده بازار تقویت می‌شود و همین موضوع می‌تواند بر رفتار سایر معامله‌گران نیز اثر بگذارد.

■ بورس در آستانه یک مرز مهم

رسیدن شاخص کل به محدوده ۴ میلیون و ۹۸۰ هزار واحد، توجه فعالان اقتصادی را به مرز پنج میلیون واحد جلب کرده است و از منظر روانی اهمیت بالایی دارد و عبور از آن می‌تواند به عنوان یک رویداد مهم در تاریخ بازار سرمایه ثبت شود.

البته کارشناسان معتقدند حفظ روند صعودی، بیش از هر چیز به تداوم ورود نقدینگی و پایداری تقاضا وابسته است چراکه بازار سهام در مقاطع مختلف شاهد رشدهای پرشتاب بوده، اما دوام این روندها زمانی تضمین شده که جریان سرمایه نیز استمرار یافته است. از این رو، معامله‌گران در روزهای آینده علاوه بر روند شاخص، حجم ورود پول حقیقی را نیز با دقت دنبال خواهند کرد. آنچه در معاملات روز دوشنبه رخ داد، بیانگر افزایش اعتماد بخشی از سرمایه‌گذاران به بازار سهام است و رشد همزمان شاخص، ارزش معاملات و ورود سرمایه‌های جدید، مجموعه‌ای از متغیرهای مثبت را در کنار یکدیگر قرار داد. اکنون بورس تهران در نقطه‌ای قرار دارد که تحول تازه در جریان نقدینگی می‌تواند مسیر کوتاه‌مدت بازار را مشخص کند و اگر روند ورود منابع جدید ادامه یابد، عبور شاخص از مرز پنج میلیون واحد دور از دسترس نخواهد بود. در مقابل، کاهش شتاب ورود سرمایه نیز می‌تواند آهنگ رشد بازار را تعدیل کند. به همین دلیل، جریان پول همچنان مهم‌ترین متغیر مورد توجه معامله‌گران و تحلیلگران باقی مانده است.